

بررسی دستور تاریخی در شعر شاملو

شیوا شاکری*

چکیده

شاعران برای رسیدن به شاعرانگی و آرایه هر چه بهتر حس درونی‌شان از روش‌های مختلف بهره می‌برند که یکی از این روش‌ها به کارگیری دستور تاریخی است یکی از شاعرانی که این روش را به کار گرفته احمد شاملو است این شاعر که از تسلط کامل بر متن تاریخ بیهقی برخوردار است.

کلید واژه: شاملو، دستور تاریخی، شعر فارسی

مقدمه

زبان پدیده‌ای است پویا و در حال تحول است اما پاره‌ای از اوقات بنابه دلایلی شاعران و نویسندگان یک زبان تصمیم به استفاده از اشکال گذشته زبان می‌گیرند. احمد شاملو یکی از شاعران فارسی زبان است که رواج باستان‌گرایی در زمان او وهم چنین انس اوباتاریخ بیهقی موجب شده عناصری از دستور زبان پیشین را در کار خود بیاورد این پژوهش کاربرد دستور تاریخی زبان را در آثار شاملو بررسی می‌کند.

shakeri.sh@yahoo.com

*کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۱۴

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۹/۰۴



دستور تاریخی

دستور تاریخی شامل قواعد دستوری ربانی می‌شود که در قرون و اعصار گذشته بین گویندگان یک زبان رواج داشته و با دستور زبانی کا امروز به کار برده می‌شود متفاوت است در واقع «دستور تاریخی، تحول دستوری زبان را در طول زمان بررسی می‌کند» (فرشیدورد: ۱۳۸۷: ۳۶)

احمد شاملو

احمد شاملو شاعر سپیدسرای ایرانی متولد سال ۱۳۰۴ در تهران متولد شد کودکی اش را در خارج از تهران گذراند و در جوانی به تهران بازگشت وی به روزنامه نویسی و اداره مجلات ادبی اشتغال داشت.

شاملو در عرصه شعر در قالب سپید طبع آزمایی می‌کرد و این انتخاب «هم نتیجه عقیده او درباره شعر است و هم نتیجه ناآشنایی نسبی او با شعر قدیم فارسی و هم نتیجه مانوس نبودنش با موسیقی اصیل ایرانی» (غلامرضایی: ۱۳۷۷: ۴۸۴ به نقل از: اسداللهی ۱۳۹۵: ۴۷)

شاملو در سرایش اشعارش به شیوه‌های مختلف از دستور تاریخی بهره برده که در ادامه به این موضوع خواهیم پرداخت.

۱- استفاده از فعل پیشوندی

«بی گاهان

به غربت

به زمانی که خود درنرسیده بود»

(شاملو: ۴۵۱)

۲- کاربرد فعل مضارع ساده در جایی که امروز با «می» می‌آید:

«بدان سان که کنون ام

شب بی روزن هرگز

چنان نماید که کنایتی طنزآلود بوده است»

(همان: ۴۵۳)



۳- کاربرد فعل بسیط:

«نفرتی

ازهرآن چه بازمان دارد

ازهرآن چه محصورمان

ازهرآن چه واداردمان

که به دنبال بنگریم»

(همان: ۴۵۸)

۴- کاربرد افعالی که امروز در زبان معیار کاربردی ندارد:

«به حماقتی خنده می زتد که تو

ازوحشت مرگ

بدان تن در داده ای»

(همان: ۴۵۸)

۵- آوردن «ب» بر سرفعل منفی:

«اما من آن گاه نیز بنخواهم جنید» (همان: ۴۸۶)

۶- آوردن توانستن به عنوان فعل کمکی صرف می شود و فعل اصلی ثابت می ماند

«که ظلمت گردان شب

چگونه تواند شد»

(همان: ۴۸۷)

۷- کاربرد شکل دومفعولی افعالی که این شکلشان امروز کاربرد ندارد:

«از کلبه پا برجای ما

به پیچ دوردست جاده

می گریزند»

(همان: ۵۰۲)

۸- تطابق صفت و موصوف:

«تادریابند که جلادان ایشان همه پای در زنجیران اند...» (همان: ۴۶۴)



۹- به کار بردن دو حرف اضافه برای یک متمم:

«وانسان

جاودانه پا دریند

به زندان بنده گی اندر

بماند»

(همان:۴۶۶)

۱۰- استفاده از «نه» برای منفی کردن جمله:

«سبویی نیست

تا آتش دهم

و برآسودن از خستگی را

بالینی نه

که بنشانم‌اش»

(همان:۴۷۲)

۱۱- ترخیم:

«سرود انده گزاری های من است و

انده گساری او»

(همان:۴۷۶)

۱۲- تقدیم فعل

می کاود از دو چشم

در رنگ‌های مبهم و مغشوش و گنگ هیچ

ابهام و پرسشی که نمی‌داند

(همان:۱۵۲)

قرار گرفتن فعل در وسط جمله:

من هم دست توده ام

تا آن دم که توطئه می‌کند گسستن زنجیر را

(همان:۸۵۰)



تقدیم مسند:

چنینم من

زندانی دیوارهای خوش آهنگ الغاظ بی زبان

(همان:۵۲)

تاخیر نهاد

اگر که بیهده زیباست شب

برای چه زیباست

شب

(همان:۷۱۳)

قرار گرفتن نهاد در وسط

ابلها مردا

عدوی تو نیستم من

انکار توام

(همان:۸۷۰)

تقدیم مفعول

بیابان را سراسر مه گرفته ست

(همان:۱۱۴)

قرار گرفتن مفعول بعد از فعل

بهتان مگوی

که آفتاب را با ظلمت نبردی در میان است

(همان:۹۰۰)

تقدیم قید

و قطره قطره‌های خون من

که در گلوی معلول یک عشق

(همان:۲۵۱)

می خندد



تاخیر قید

شادی تو بی رحم است و بزرگوار

(همان: ۳۸۹)

آوردن قید در وسط

بادی شتاب ناک گذر کرد

بر خفتگان خاک

(همان: ۳۳۰)

تقدیم متمام

بر درگاه هر تقبه

سایه ها

روسیان آرامش اند

(همان: ۴۲۰)

تاخیر متمام

لقمه بی ست گلوگیر

تا فریاد بر نیارم

از رنجی که می برم

(همان: ۶۲۷)

حذف فعل ها به قرینه

خود نه از امید رستم نی ز غم (همان: ۳۲۴)

حذف فعل به قرینه معنوی

نفس با خستگی در جنگ

من با خویش

پا با سنگ

چه راه دور

(همان: ۶۱۶)



کاربرد فعل تمنایی
کاش در این جهان
مردگان را

روزی ویژه بود

(همان: ۸۳۱)

کاربرد فعل دعایی
تا از گزند اهرمنان کتاب خوار
که مادرزادگان نرینه نمای خویش اند
امانمان باد

(همان: ۴۶۹)

ساخت متمم با دو حرف اضافه
اینان دردند و بود خود را
نیازمند جراحات به چرک اندر نشسته اند

(همان: ۴۹۰)

قراردادن ضمیر متصل در جایی غیر از آن چه امروز قرار می گیرد
بر آن فانوس کش دستی نیفروخت (همان: ۸۷)
و موارد بی شمار دیگر که به دلیل جلوگیری از اطاله کلام از آوردنشان پرهیز شد

نتیجه گیری

شاملو از دستور تاریخی برای بهبود کیفیت شعر هایش به خوبس استفاده کرده است و می توان گفت با استفاده از این شیوه توانسته در برجسته کردن مفهوم و یا آهنگ شعر موفق باشد این موضوع را وقتی می توانیم در یابیم که شعر را با حذف دستور تاریخی بازنویسی کنیم به عنوان مثال: کوها با همند و تنهائند همچو ما با همان تنهائیان را به صورت کوه‌ها باهمند و تنهائند همچو ما که با هم تنهائیم بنویسیم دیگر چیزی از آهنگ شعر باقی نمی ماند و شعر به اندازه کافی مخاطب را



سوی به تعمق در مفهوم نمی کشاند البته این نکته را نمی توان نادیده گرفت که این شیوه در بعضی موارد شعر او را دیرباب کرده و از اقبال عمومی دور.

منابع

- شاملو، احمد، (۱۳۹۱)، مجموعه آثار، دفتر یکم، تهران، نگاه.
- اسداللهی، مریم، (۱۳۹۵)، احمد شاملو و تاریخ بیهقی، تهران، ویهان.
- فررشیدورد، خسرو، (۱۳۸۷)، دستور مختصر تاریخی، تهران، زوار.